



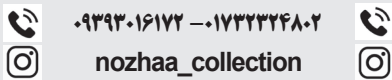
مزون نوژا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴-میر مجیدی



یادداشت اول

ایران و قراردادهای

بین المللی

■ با مسوولیت سردبیر

ایران تحت شرایطی به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) پیوسته است، مساله ای که نزدیک به یک دهه ذهن و روان شهروندان ما با آن درگیر بود و هریک از مسوولان به فراخور حال آن را نقد یا تایید می کردند و طبق معمول پیش از آنکه به فکر منافع ملت باشند درباره آن نقد و نظر دادند و اینک بعد از میلیون و یا میلیاردها هزینه به آن می پیوندیم و احتمالا ملزم به هماهنگی با بانکها و نهادهای مالی و در نهایت همراهی با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) که یک نهاد بین دولتهاست خواهیم بود و باید شفافیت مالی و ضوابط مالی بین المللی را به اجرا بگذاریم، اینک پرسش این است مسوول این هزینه های سنگین از دولت دوم روحانی به این سو کیست؟ چرا باید مسایلی در این حد بدیهی که دنیا ساز و کار آن را طراحی می کند همواره در کشور ما دچار چالش شود؟ اینک که دنیا ماشه را چکانده است و کشورهای رقیب و دشمن ایران را در منگنه قرار داده اند و به صورت ساختاری مراوده بانکی و مالی کشور را با کشورهای دیگر مسدود اعلام کرده اند و تحریم های ناجوانمردانه زندگی ایرانیان را سخت تر می کند پذیرش یا استمرار سیاست قبلی چه اندازه در زندگی شهروندان ما تاثیر خواهد گذاشت. اما نکته اساسی تر که باید به آن توجه شود آن است که سخت نیست تا بدانیم باید فهم خود از جهان را مستمر و مداوم اصلاح کنیم، در دنیایی زندگی می کنیم که هر چند سال مکانیزم های آن تغییر می کند و به تبع آن رفتارها و سیاستهای دولتها هم تغییر می کند با تاکتیکی معلوم به درگیری با سیاستهای نامعلوم پرداخت، همین چالش را با بسپاری از قواعد جهانی نیز داشته و خواهیم داشت، اینکه هر مساله بین المللی، در کشور ما دچار دوگانگی در بازی های سیاسی باشد به منافع ملی ما هر روز آسیب خواهد رساند. باید چاره ای اندیشید و الا آن گونه که استاد سخن سعدی می فرماید: تیر از کمان چو رفت نیاید به شست باز پس واجب است در همه کاری تاملی

پیروزی نزدیک گریان
بر جهرم



۲

سود اصلی برنج
در جیب دلان



۳

گوزن های اتوبان
(سینما)



۴

گلشن

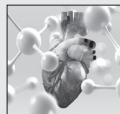
■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ یکشنبه ۱۳ مهر ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / ۳۰۵ صفحه / ۲۵۰۰ تومان



فشار اطرافیان برای فرزندآوری؛ خطر
جدی برای زندگی مشترک

» ۸ «



چگونه قلبتان را سالم
نگه دارید؟

» ۷ «



وقتی قهرمان فیلسوفی بیکار است
«سینما»

» ۵ «

رواناب

آب های هدر رفته



شهری، به ابعاد جدول هدایت و دفع آب های سطحی توجه کرده و سعی می کنند شبکه زهکشی شهری را با سطح مقطع بالاتر طراحی و اجرا نمایند که این خود موجب افزایش هزینه های شهری شده و در مواردی نیز امکان اجرا با محدودیت مواجه است.

ادامه در صفحه ۲

اختلال در رفت و آمد و آبگرفتگی معابر، واحدهای اداری، مسکونی و تجاری از جمله آنهاست و در زمان شدت بارندگی نیز با تبدیل خیابان ها به مسیر سیلاب، عملا خسارت های زیادی به شهرها و شهروندان وارد می شود. برای پیشگیری از این خسارت ها، معمولا طراحان شهری در زمان تهیه طرحهای توسعه و عمران

امر، صرفنظر از شدت و مدت بارش، سطح عایق زیاد در شهرهای استان است که در اثر آن نفوذ آب به آبخوان های زیر زمینی به شدت کاهش می یابد و نتیجه آن افزایش چند برابری رواناب ناشی از بارندگی در مقایسه با اراضی طبیعی است. افزایش رواناب در شهرها مشکلاتی را برای شهروندان به وجود می آورد که

سید محسن حسینی (برساووش)
همه ساله و چندین بار در هرسال، با بارش شدید باران که عمدتا ناشی از اثرات تغییرات اقلیمی بوده و با روند فعلی دستکاری انسان در اتمسفر - با افزایش گازهای گلخانه ای - در حال تشدید است، شاهد ایجاد روانابهایی مزاحم و یا خطرناک در معابر شهری استان هستیم. از دلایل اصلی این

پروژه ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان (نماد)

طرح نماد برای شناسایی زود هنگام کودکانی است که در سایه بی توجهی آسیب می بینند؛ با اجرای طرح نماد، دانش آموزان تنها نیستند.

ادامه تیر اول

پیشنهادهایی چند برای متولیان شهرسازی استان و نیز شهرداران محترم ارائه می‌شود که امید است مورد توجه قرار گیرد. این راهکارها نه تنها از مشکلات رواناب‌های شهری می‌کاهد، بلکه به اهداف دیگری مانند تغذیه سفره‌های زیرزمینی و کاهش آلودگی منابع آب نیز توجه دارد که رسیدن به اهداف مدیریت یکپارچه منابع آب را تسهیل می‌کند.

۱- سطوح وسیعی از محدوده شهرها متعلق به فضای اشغال شده توسط بام واحدهای اداری، مسکونی، آموزشی و تجاری است. هدایت آب باران خارج شده از نودان‌ها و ذخیره در مخازن به منظور آبیاری فضاهای سبز و مصارف دیگر از روش‌های کاهش رواناب شهری است. نمونه‌هایی از این روش در استان گلستان تحت عنوان «لاری» قدمت طولانی دارد.

۲- تبدیل پوشش غیرقابل نفوذ حیاط واحدهای مسکونی، اداری، آموزشی و تجاری، به پازل‌های نفوذپذیر و یا سنگریزه‌های مناسب، کاهش رواناب را به دنبال دارد.

۳- حفر چاه‌های جاذب رواناب ناشی از بارندگی در مجتمع‌های تجاری، آموزشی، مسکونی و اداری، موجب می‌شود...

آب باران به جای روان شدن، در این چاه‌ها به دام افتاده و آبخوان‌ها را تغذیه کند. رعایت مسائل ایمنی در حفر و نگهداری این چاه‌ها ضروری است.

۴- پیاده‌روها نیز سطوح غیرقابل نفوذی هستند که روانابی با جریان بالا تولید می‌کنند. شیب‌بندی پیاده‌رو برای هدایت رواناب جاری شده، به فضای سبز موجود در آنها، از راهکارهای کاهش رواناب شهری به شمار می‌آید. همچنین کاهش سطوح نفوذ ناپذیر پیاده‌روها، با استفاده از پازل خشکه کار که بر روی بستری از ماسه‌بادی فرش می‌شود و بین هر دو قطعه، فضایی خالی وجود دارد که با ماسه و یا پوشش گیاهی پر می‌شود و به آب اجازه می‌دهد به جای روان شدن، از خلال سطح مفروش نفوذ کند، راهکار دیگری در کاهش رواناب به شمار می‌رود.

۵- سطح خیابان‌ها تا ۲۵ درصد از سطوح غیرقابل نفوذ محدوده شهری را تشکیل می‌دهد که منبع بزرگی از سیلاب‌ها را در سطح شهر به وجود می‌آورد. با اصلاحات هندسی در خیابان‌ها از جمله آن که بلوارهای وسط خیابان و فضای سبز کنار خیابان پایین‌تر از سطح خیابان ساخته شوند، بخشی از رواناب‌های سطحی به این سطوح هدایت‌شده و نفوذ می‌یابد و مانع از انباشته شدن سیلاب‌ها شده و در آبیاری فضای سبز نیز صرفه‌جویی به عمل می‌آید.

۶- در شهرهایی مانند گرگان که دارای قنوت‌ متروکه متعدد است، هدایت‌بخشی از رواناب‌های خیابان‌ها به این قنوت‌ها، کاهش رواناب شهری و تغذیه سفره‌های زیرزمینی را به دنبال دارد.

۷- در شهرهای کوهپایه ای که بر روی مخروط افکنه ها ایجاد شده، بدلیل نفوذپذیری زیاد زمین، می توان با حفر چاههای جاذب در مسیر جداول هدایت آبهای سطحی، بخشی از رواناب را به جای هدایت، به نفوذ وادار کرد. بخشی از این پیشنهادها نیازمند منابع مالی توسط دولت و شهرداری‌ها نیست بلکه با پیش‌بینی در طرح‌های توسعه و عمران شهرها و وضع برخی مقررات مانند شرایط پایان کار ساخت و ساز و یا اعطای تسهیلات قابل دسترسی است و برخی از راهکارها، میزان هزینه‌های عمرانی و جاری شهری مانند ساخت جداول عریض و عمیق هدایت و دفع آب سطحی را کاهش هم می‌دهد. لازم به ذکر است که اجرای هر یک از راهکارهای ارایه شده نیازمند بررسی، مطالعه و طراحی ویژه در محل اجرای خود است. در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که باران، سیل و استان گلستان، همراهی تاریخی با یکدیگر دارند و چنانچه همزیستی مسالمت‌آمیز با سیل در شهرها و مدیریت-یکپارچه-منابع- آب در دستور کار مدیران و کارشناسان و عموم شهروندان قرار گیرد، شهرهایی به مراتب امن‌تر و زیباتر خواهیم داشت.

کارشناس مسائل آب

پیروزی نزدیک گرگان بر جهرم

بهنام نیک پیام

شهرداری گرگان ۹۳ نفت جهرم ۸۸
ساعت ۱۵ روز پنج شنبه ۱۰ مهر
۱۴۰۴ سالن گرگان
سرداور: مصطفی شریعتی. داور
اول: محمد کاظمیان و داور دوم
فرشادهاشمی
ناظرین داوری وسازمان لیگ:
محمد متین و کورش بخشی عرب
تماشاگر: حدودسه هزارتن.



شهرداری گرگان مدافع عنوان قهرمانی، باحفظ شاکله ی اصلی تیم فصل پیش و با دو تغییر داخلی وخارج، پا به میدان مسابقات لیگ برتر فصل ۱۴۰۵-۱۴۰۴بسکتبال ایران گذاشت تا در دو سنگر داخلی و آسیایی با حریفان رقابت نماید. در نخستین دیدار، این تیم به عنوان افتتاحیه مسابقات پذیرای تیم تازه لیگ برتری نفت جهرم بود که ۹۳-۸۸بر این تیم پیروز شد. شهرداری با ترکیب: مبین شیخی، میثم میرزایی، پیتزرگ‌گوریان، امیرصدیقی و امیرحسین یازرلو به مصاف نفت جهرم که دوبازیکن شاخص به نام های محمد جمشیدی و امیرعلی قلی زاده(بازیکنان اسبق گرگان)در ترکیبش داشت رفت و کوارتر اول را طوفانی با نتیجه ی ۳۶-۱۵از آن خودکرد که پیتزرگ‌گوریان، امیر صدیقی و امیرحسین یازرلو موثرظاهرشند. کوارتر دوم چنانچه همانند کوارتر اول پیش می

رفت، شاید بازی یکطرفه و با اختلاف بالا به نفع گرگانی ها رقم می خورد. اما به دو دلیل این اتفاق نیفتاد. نخست با توجه به اختلاف زیاد امتیاز، صالح مخدومی حق داشت که با تغییر ترکیب و میدان دادن به دیگر بازیکنان ترکیب اصلی تیمش را تاحدودی بدست آورد. دوم اینکه تیم جهرم از این فرصت به خوبی استفاده کرد و با گذشت زمان و آشناتر شدن بازیکنانش با جو سالن و البته درخشش امیرعلی قلی زاده، فاصله ی ۲۱امتیازی را به ۱۰ رساند که نتیجه ی کوارتر دوم ۵۱-۴۱به سود گرگان رقم خورد. کوارتر سوم متفاوت با دو کوارتر اول و دوم آغازشد. کادر فنی تیم شهرداری گرگان که احساس خطر کرده بود، با همان ترکیب اولیه وارد زمین شد

و جهرمی ها که در ده دقیقه ی دوم روحیه گرفته و تاحلی به خودباوری رسیده بودند با محوریت محمدجمشیدی، از شکاف ها و ضعف دفاعی تیم گرگان به خوبی استفاده کردند و در دقایق ۲۵و ۲۶ دو بار با یک اختلاف امتیاز از میزبان پیش افتادند و زنگ خطر جلدی را برای مدافع عنوان قهرمانی بصدا درآوردند. صالح مخدومی با درک برخی ناهماهنگی ها درتیم و مشورت با مربیان، بازیکن آمریکایی خود جردن همیلتون را به میدان فرستاد و توانست این کوارتر را ۶۱بر ۲۲ازحریف پیش ببفتد. کوارترچهارم نیز همانندسوم با حساسیت بالا شروع شدوگویی نفت جهرم امیدواره پیروزی شده بود. اما تعویض های شهرداری، حضو رموثر همیلتون وتشویق های پرشور هواداران، کفه ی ترازو را به

تیم ها تمریناتش را دیرتر شروع کرد و پیتزرگ‌گوریان، امیرحسین یازرلو وجردن همیلتون دیرتر به تمرینات اضافه شدند. صالح مخدومی سرمربی شهرداری گرگان در اولین مصاحبه ی رسمی بارسانه ها، از برخی نامالیمات صحبت و تاکید نمود که اگر کمک نمی کنید، حداقل سنگ هم نیندازند (روی سخنش با هیات بسکتبال استان بود) که باید منتظر پاسخگویی هیات استان بود وحرف های آن ها را هم شنید. حیف است تیمی که فصل گذشته با کمترین حاشیه و با اقتدار به مقام قهرمانی رسید و امسال به عنوان نماینده ی ایران درجام باشگاه های آسیا حضور پیدا خواهدکرد، ازهمین لحظات نخست واردحاشیه شود. لازم است هر کس در هر موقعیت وجایگاهی که قرارداد به نسبت توان وعلاقه اش به تیم شهرداری گرگان وایران کمک نماید تا نماینده ای شایسته درلیگ برتر ایران برای گرگان و درآسیا برای ایران باشد.

اسامی تیم بسکتبال شهرداری گرگان در فصل ۱۴۰۵-۱۴۰۴

مبین شیخی. پیتزرگ‌گوریان. خشایار علی اکبری. امیر صدیقی. نصرت یازرلو. میثم میرزایی. پدرام فخفوری. محمد حسن زاده. امیرحسین یازرلو. یاسین کلاسنگیانی. مانی ایزدپناه. جردن همیلتون. پری پتی. سورنا کابوسی نیا. شایان احملی ومهدی خ داوردی. سرمربی: صالح مخدومی. مربیان: هادی دهقان. مجتبی بنی عقیل. اشکان بنی کمالی. مدیرفنی: حسن طیبی. سرپرست تیم: نوینظری ومدير اجرایی: هادی ایزدپناه.

امور جامعه باشد، ویال و بوارش نمی‌ارزد. چنانکه مولی علی(ع) دنیا و امارت آن را از عطسه‌ی بُز نیز بی ارزش تر دانسته است نیز زوال حکومت‌های دنیوی را به سراب و پراکنده شدن ابرها تشبیه فرموده است: حکومت کالایی چند روزه است که آنچه از آن حاصل آید نباید و همچون سراب به زوال رود و همچون ابر پراکنده گردد.

بنده باش و بر زمین رُو، چون سمند چون جنازه نُه، که بر گردن بَرند بنده باش و همچون اسب بر روی زمین در تکاپو باش و مانند جسدی مباش که بر دوش حمل می‌کنند. فروتن باش و دیگران را حمال خود مکن، زیرا کسی که کارهایش را برعهده این و آن می‌گذارد مانند مرده‌ای است بر دوش آنها. درحالی که روش عبدالرحمن فروتنی و بندگی است چنانکه در آیه ۶۳ سوره فرقان آمده است:.. و بندگان خداوند مهربان کسانی هستند که با فروتنی بر زمین راه روند.

جمله را حمال خود خواهد کُفور چون سوار مرده آرندش به گور آدم ناسپاس و مستبد و دیکتاتور می‌خواهد همه مردم حمال او شوند. و می‌خواهد که مانند مرده‌ای که به گور می‌برند خلق الله او را بر دوش کشند. به عبارتی هرکس چه حاکم و شاه و چه وزیر و وکیل مردم را به اجیری می‌گیرد. یعنی شانه از مسئولیت خالی کند و پاسخگویی عملکرد و قدرت خود نباشد و این و آن را به بیگاری و حمالی خود وا دارد و مقصر بداند برحسب واقع میّتی متحرک است. روش پیشوایان راستین استقبال از مسئولیت و تن دادن به کار و پاسخگویی به مردم است چنانکه مولی علی(ع) در نهج البلاغه می‌گوید از من در مورد امور و عملکردم بپرسید قبل از آنکه مرا از دست دهید چرا که من خود را مصون از خطا نمی‌دانم و از من نترسید و مثل شاهای

جبار با من بر خورد نکنید که من یکی از شماها هستم. ز آنکه آن تابوت برخلقست بار بار بر خلقان فکنند این کبار زیرا آن تابوت بر دوش مردم نهاده شده است و این بزرگان یعنی حکام و حاکمان و سلاطین جامعه با زحمت و مؤونت خود را بر دوش خلق الله افکنده‌اند در حالی که حاکم قرار است زحمت و مشقت مردم را کم کند و زندگی مرفهی توام با آرامش را برای مردم فراهم نماید نه اینکه ویال گردن ملت گردد و با تصمیماتش، مشکلات مردم را دوچندان نماید و پاسخگویی عملکرد پر مشقت مردم هم نباشند. بار خود را برکس مَنه، بر خویش نه سروری را کم طلب، درویش به ای حاکم بار زحمت خود را بر دوش کس مگذار بلکه خود بر دوش بگیر. در پی ریاست و مقام نباش، بلکه خواهان درویشی و افتادگی و آزادگی باش. مرکب اعناق مردم را مَیا تا نیاید نقرِست اندر دو پا

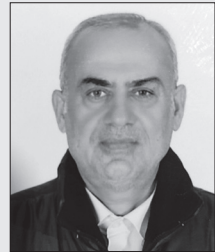
اینقدر برگردن و کمر مردم فشار زندگی را زیاد نکن تا دو پایت دچار بیماری نقرس نشود. یعنی ای حاکم اینقدر به مردم ستم نکن و تصمیمات نا بجا نگیر و مردم را اذیت نکن تا بنیاد حکومت لرزان نشود. اگر سخن و رضایت مردم را جویا نشوی و بدون رضایت آنها حکم برانی و بگویی من حاکم هستم و ملت هم موظف است از دستورات من اطاعت محض نماید، بدان که پایه‌های قدرت لرزان و سُست خواهد شد، پس دست از خیره سری و استبداد بردار و با مردم همراه و همفکر و همراهی باش تا حکومت دوام پیدا نماید. مرکبی را کُخرش تو دَه دهی که به شهری مانی و ویران دهی

ای ریاست طلب مستبد تو که سرانجام از مرکب مقام و منصب متفتر خواهی شد و به او خواهی گفت: تو به شهر شباهت داری در حالی که دهی ویرانه هستی. دَه دهش اکنون که چون شَهرت نمود تا نیاید زحمت در ویران گشود هم اکنون که پُست و مقام به نظرت شهری آباد می آید، خاک بر سرش کن تا مجبور نشوی که در ویرانه سکونت گزینی. منصب و مسند دنیوی به ظاهر دلربا و جَذاب است ولی باطناً خطرناک و زیانبار است، چه غالب افراد بر سَر تصاحب آن با دین و ایمان خداحافظی می‌کنند. آنکه با سائقه‌ی هوای نفس به دنبال آن افتد، سرانجام خاسر و زیانکار می شود. دَه دهش اکنون که صد بُستانت هست تا نگریدی عاجز و ویران پُرس

اکنون که صد باغ و بوستان داری و در اوج قدرت و مکنّت هستی، خاک بر سر پست و مقام دنیوی بکن تا درمانده و مورد نفرت مردم نشوی و خرابه نشین و بدبخت نشوی. یعنی اکنون که امکانات دنیوی در اختیار توست و سرمست از داشتن قدرت هستی و حکم می‌رانی، از دنیا رخ بر تاب که این کار بسی ارزشمند است و الا وقتی که اقبال دنیوی از تو روی بگرداند. و بالاجبار دست از همه مواهب دنیوی کوتاه شود نمی‌توانی بگویی من از دنیا گذشته‌ام، چرا که در واقع دنیا از تو گذشته است، پس کار ارزنده این است که درعین داشتن امکانات و قدرت دنیوی، از آن بگذری نه اینکه دو دستی به دنیا و مستد آن بچسبی تا بالاخره ببایند و مردم تو را سرنگون کنند و یا جملگی خواهان عزل تو گردند و دست را از مقامی که داری کوتاه کننده چرا در اینصورت خوار و ذلیل خواهی شد.

«

هدف فرمانروایی در کلام مولانا



محمد رضا ایزد

نام میری و وزیری و شهی در نهانش مرگ و درد و جان دهی نام و عنوان فرمانروایی و وزارت پادشاهی گرچه در ظاهر جذاب و دلرباست ولی در باطن مرگ و درد جان کندن است. حکومت اگر جز برای اقامه عدل و اصلاح

سود اصلی برنج در جیب دلالان



دبیر خانه کشاورز گلستان با انتقاد از سودجویی دلالان در بازار برنج از زیان‌دیدگی کشاورزان و مصرف‌کنندگان خبر داد و تاکید کرد: تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، تقویت و ورود سازمان تعاون روستایی برای خرید منصفانه برنج از کشاورزان است تا دست واسطه‌ها کوتاه و قیمت‌ها به واقعیت نزدیک‌تر شود. به گزارش روابط عمومی، علی‌قلی ایمانی با اشاره به وضعیت بازار برنج گفت: طی سه سال اخیر قیمت برنج متناسب با هزینه‌های تولید افزایش نداشته و کشاورزان همواره با ضرر و زیان مواجه بوده‌اند. به عنوان نمونه سال گذشته برنج پرمحصول با قیمت بین ۵۵ تا ۶۵ هزار تومان از کشاورزان خریداری شد، اما دلالان با خرید و دپوی محصول، در مقاطع زمانی آن را با قیمت‌های گزاف تا ۳۵۰ هزار تومان در بازار عرضه کردند، در حالی که هیچ منفعتی نصیب تولیدکننده نشده و مصرف‌کننده نیز متضرر شد. وی افزود: این روند موجب شد بسیاری از کشاورزان تمایلی به عرضه مستقیم محصول خود نداشته باشند، زیرا بر این باورند که دلالان سود اصلی را می‌برند در حالی که کشاورز ناچار است بعد از برداشت، محصول خود را بفروشد تا بتواند هزینه‌های خرید نهاده‌ها، کود و سم، تعمیرات ماشین‌آلات و بدهی‌های بانکی را تامین کند. مدیرعامل

بنیاد ملی گندم‌کاران کشور تصریح کرد: هزینه‌های تولید برنج بسیار سنگین است و برای کشت یک هکتار شالی حداقل ۱۵۰ میلیون تومان سرمایه نیاز است، بنابراین

قیمتی که امروز برای برنج در بازار وجود دارد با توجه به هزینه‌های سنگین تولید، چندان بالا محسوب نمی‌شود. ایمانی، راهکار اصلی این مشکل را ورود و تقویت سازمان

تعاون روستایی دانست و گفت: این سازمان با برخورداری از انبهارها، نیروی انسانی و امکانات گسترده می‌تواند به نمایندگی از دولت محصول را به قیمت منصفانه و معقول از کشاورزان خریداری کرده و در زمان مناسب در بازار عرضه کند، به این ترتیب دست واسطه‌ها و دلالان کوتاه شده و هم کشاورز و هم مصرف‌کننده منتفع می‌شوند. وی اعلام کرد: حاکمیت باید نقش تنظیم‌گر را در بازار ایفا کند یعنی قیمت خرید برنج از کشاورز بر اساس هزینه‌های تولید و سودی منصفانه تعیین شود و در سوی دیگر نیز میزان سود فروشندگان مشخص باشد. در چنین شرایطی با تقویت نظارت و تعزیرات برنج با قیمت واقعی و مصوب به دست مردم خواهد رسید. دبیرخانه کشاورز استان گلستان تاکید کرد: فشار آوردن به کشاورز و متهم کردن او به احتکار نادرست است، زیرا کشاورز تنها محصول به‌دست‌آمده از زحمات خود را عرضه می‌کند و نقشی در ایجاد التهاب بازار ندارد. ایمانی در پایان بیان کرد: برنج ایرانی از نظر کیفیت بسیار بالاتر از برنج‌های وارداتی است و ذائقه مردم نیز به آن گرایش دارد بنابراین حمایت از کشاورز داخلی و ساماندهی بازار برنج ضرورتی جلی برای تامین امنیت غذایی کشور و جلوگیری از سودجویی واسطه‌هاست.

هفت شهرستان واقع در شرق استان گلستان است، جوامگی نیاز این قشر نیست. رئیس اداره بهزیستی گنبدکاووس در ادامه سخنان خود همچنین با تبریک ۹ مهر روز جهانی سالمندان و گرامیداشت هفته این قشر (۵ تا ۱۱ مهر)، گفت: بهزیستی با همراهی برخی ادارات و نهادهای مجموعه منابع طبیعی و آبخیزداری برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری برای حفظ سلامت و افزایش نشاط سالمندان از جمله پوشش «اگر من شهردار بودم» برای بهره‌گیری از نظرات مدیریتی سالمندان، پوشش «کاشت نهال با نام یادگار تو به زمین»، تور گردشگری یک‌روزه، برگزاری مسابقات ورزشی و جشن فرهنگی-هنری «روز منهای سن» با حضور خانواده‌ها در حال برگزاری دارد.

کردند تا به جوانترها درس و مشق توجه به طبیعت و درختکاری بدهند. به گزارش ایرنا، در این مراسم، رئیس اداره بهزیستی گنبدکاووس از فعال بودن ۲ مرکز روزانه و شبانه روزی نگهداری از سالمندان در این شهرستان خبر داد و گفت: ظرفیت اسمی این ۲ مرکز فقط ۱۷۰ نفر است. محمود پیری، روند رو به رشد جمعیت سالمندان را زنگ خطری برای جامعه توصیف کرد و افزود: هم اکنون نرخ سالمندی در کشور ۱۲ درصد است که براساس آن بیش از ۴۰ هزار نفر سالمند (بالای ۶۵ سال) در شهرستان ۴۰۰ هزار نفری گنبدکاووس زندگی می‌کنند. وی با اشاره به افزایش تقاضا برای نگهداری از سالمندان در مراکز نگهداری گنبدکاووس، اضافه کرد: وجود تنها ۲ مرکز که مرکز شبانه روزی آن مربوط

مشق سالمندان گنبدی با ترویج درختکاری

جمعی از سالمندان مرکز شبانه روزی نگهداری سالمندان مهر گنبدکاووس به مناسبت بزرگداشت روز جهانی سالمند در اقدامی نمادین نهال غرس

لا

صرفا برای معرفی بیماران دو یا چند قطبی ساخته شده تا نمایش یک قصه از یک بیمار این نوع از موضوع ها صرفا بیماری های روانی را در بر نمی گیرد، از طلا و مس گرفته تا رنگ خدا و گل های داوودی و حوض نقاشی و ... فیلم هایی هستند که معضلات معلولین را به ما نشان می دهند. فیلم هایی از این دست گاهی چنان غرق در معرفی معضلات می شوند که بیشتر شبیه به یک مستند، صرفا مشغول نشان دادن مشکلات آن قشر خاص می شوند تا پیش بردن پیرنگ داستانی. نمونه خاص اش فیلم مجبوریم رضا درمیشیان است. مجبوریم فیلمی است که از طرف کانون وکلای یکی از استان

پارک وی، خفه گی و ... با این تفاوت که جبرانی بر اساس جنایت ها فیلم هایش را پی ریزی می کرده ولی در این فیلم سعی شده اختلال با خود قصه روایت شود. لاکپشت سعی دارد با مضمون یک بیماری حوادث زندگی یک روان پزشک که درگیر زندگی شخصی خودش است را به ما نشان بدهد. در حوزه سلامت یکی دیگر از فیلم های قابل اعتنا، برادرم خسرو با هنر نمایی شهاب حسینی است که در مورد بیماری چند قطبی ها صحبت می کند. فیلم هایی با این مضامین به این صورت هستند که، در لایه اول برای معرفی بیماری کمی به سمت فیلم های آموزشی میل می کنند، گاهی خود قصه بیشتر از اینکه روایت گر داستان باشد، اختلالات شخصیتی هستند که پیش برنده می شوند. در فیلم برادرم خسرو نیز تا حدودی این ایراد به فیلم وارد است،

مقصر می داند. گیتی که قبلا بیمار دکتر پیروز بوده، به خاطرعلاقه اش به پسرعموش شایان، چند بار خودکشی کرده بوده و در دوره ترابی با دکتر پیروز آشنا می شود و با او ازدواج می کند. پدر شایان با ازدواجش با مادر گیتی همه برنامه های ازدواج گیتی و شایان را بر هم می زند. به قول شایان: یا باید می ماندم و با خواهرم ازدواج می کردم یا همه چیز را رها می کردم و می رفتم. اکنون با مرگ پدر شایان، قرار است شایان از خارج برگردد و در مراسم خاکسپاری شرکت کند. چون طلبکارهای شایان دنبال او می گردند، عموی بزرگ شایان از دکتر پیروز خواهش می کند که یک شب از شایان میزبانی کند تا بتواند طلبکارهایش را دست به سر کند. پیروز با خبر بازگشت شایان و تغییر رفتار گیتی، زندگی اش را در خطر رقیب دیرینه می بیند، ضلع سوم مثلثی که قرار است توازن زندگی اش را بر هم بزند. همه تعلیق و حوادث اصلی فیلم در تقابل بین دکتر پیروز و شایان به نمایش گذاشته می شود تا اینکه ...

فیلم لاکپشت یک درام روان شناختی است که با تکیه بر اساس یک غافلگیری بزرگ پی ریزی شده. عقبه این نوع فیلم ها در سینمای ما به فریدون جیرانی می رسد. جیرانی با اقتباس از داستان های جنایی و روانشناختی بد طولایی در سینمای ما دارد. فیلم هایی مانند قرمز،



علی درزی

فیلم، داستان پیروز ارجمند یک روان پزشک بسیار چاقی است که ترس از دست دادن دارد. او توسط همسرش ترک شده و با گیتی که هم سن و سال دخترش است ازدواج مجدد کرده، دختر خودش هم، هر چند وقت یکبار مانند سایه ای وارد زندگی اش می شود و او را بابت ترک مادرش و زندگی به آشوب کشیده شده شان

گوزن های اتوبان

علی درزی

فیلم ها به اندازه همان شاخ های مجازی است که می آیند و می روند مگر کار کرد فیلم فراتر از آن موضوع خاص باشد. جوری که از آن موضوع به نفع مضمون قصه که دغدغه ای والاتر دارد، بپردازد. کاری که سیدنی لومت در شبکه انجام داد یا اسپایک جونز در او. در فیلم و سریال ها اگر علاوه بر مکان و زمان مشخص، فیلم را به یک موضوع داغ اجتماعی منوط کنیم، خطر بیات شدن و در آخر گذشتن تاریخ مصرف اثر بسیار بالا می رود. مانند دیدن فیلم عروسی کسانی که چندین سال از مراسمشان گذشته، جز برای صاحبان جشن برای دیگران هیچ جذابیتی ندارد، چون همه آن زرق و برق ها قدیمی شده و از مد افتاده. فیلم گوزن های اتوبان رفته رفته از آوده شدن هویت فردی به هویت مجازی سخن می گوید اما با چند ضعف بسیار بزرگ. اول از همه، فاجعه. فاجعه از ارکان مهم درام است، هر کسی که اسم فاجعه را می شنود بدون مکث قتل، تصادف، طلاق، خیانت، ورشکستگی و ... به ذهنش خطور می کند در حالی که فاجعه بسته به اتمسفر و جهان فیلم نشان داده می شود. برای مثال شاهکار سینما، آن شب اتفاق افتاد، شخصیت اصلی را برای پولی در حال خودکشی می بینیم که در آخر به راحتی با کمک اهالی محل آن بدهکاری پرداخت می شود یا در دزد و دوچرخه فاجعه زمانی رخ می دهد که دوچرخه دزدیده می شود، شاید به ذهن کسی خطور نکند که دزدیده شدن یک دوچرخه بتواند درام یک شاهکار سینمایی را رقم بزند. مثال ایرانی اش هم برای مثال اول می شود، میهمان مامان، مادری که برای پاگشای خواهر زاده اش جوش شام را می زند، چون چیز دندان گیری ندارد که جلوی عروس و داماد بگذارد، ولی در آخر با کمک همسایه ها یک ضیافت با شکوه برگزار می شود. یا یک جفت کفش در بچه های آسمان، نداشتن یک جفت کفش برای خانواده فقیر تهرانی چنان دل ما را به درد می آورد که بدبختی های خودمان را در حین تماشای فیلم فراموش می کنیم. همه اینها بستگی به باورپذیر بودن فاجه دارد، برای مثال وقتی ما در فضای رکود اقتصادی بعد از جنگ جهانی در ایتالیا قرار داریم و نیروی کار بیشتر از کار است، وقتی برای خریدن دوچرخه، مادر خانواده ملحفه های خانه را می فروشد، برای ببینند دوچرخه به قدری ارزش می یابد که دزدیده شدنش همانند یک فاجعه است، همانطور که اول شدن پسرک در بچه های آسمان یک فاجعه است. فاجعه نه به معنای لفظی بلکه به معنای دراماتیکش در قصه حیاتی است. در گوزن های اتوبان نه از کار بی کار شدن عابس را می بینیم و نه از هم پاشیدن زندگی مشترکش را. اگرچه هر دو مورد در فیلم بیان می شود ولی نشان داده نمی شود. مشکل بزرگ دیگری که در فیلم مشهود است اتفاقات بر اساس خواسته فیلمنامه نویس جلو رفته نه نیاز قصه، به همین خاطر سکانس ها به جای اینکه در توالی هم قرار بگیرد، به صورت موازی روایت می شوند. به صورت موازی چگونگی مشکلات فضای مجازی بیان می شود.

بین همکاران پیک موتوری اش، مجبور می شود با دوستانش، ماشینی را تعقیب کنند تا متوجه پلاک مخدوشش شوند، از قضا ماشین وارد منطقه ممنوعه ای می شود که کسی حق ورود به آن جا را ندارد. عابس زندگی می کند و خودش را به عنوان بازیگر یک گروه بازیگری جا می زند و وارد میهمانی می شود. ماشین مربوط به یک بلاگر سرشناس ایرانی است که با مدیر برنامه هایش به مشکل خورده، عابس با دیدن پلاک متوجه می شود که شرط را باخته اما برای این که از زیر شرط فرار کند مجبور است بلاگر معروف را از آن جا فراری بدهد تا دوستش پلاک ماشینش را ببیند. در همین حین، بلاگر که در حال لایو گرفتن است فرار می کند ولی چند متر جلوتر ماشینش چپ می کند و همه این حوادث به صورت زنده برای دنبال کنندگان بلاگر پخش می شود. با این فیلم پخش شده عابس در محل کار خود و ارتباط با نامزدش به مشکل بر می خورد، تا این که برای مقابله به مثل از کمک های مدیر برنامه های به مشکل خورده بلاگر استفاده می کند و از صفحه نامزدش کمک می گیرد، این جاست که زندگی شخصی عابس وارد فضای مجازی می شود... گوزن های اتوبان در نوع خودش جزو اولین فیلم های ایرانی می تواند باشد که به صورت مشخص با دغدغه فضای مجازی و اینستاگرام ساخته شده. همین موضوع یک پاشنه آشیل بزرگ برای فیلم های این چنینی است. پاشنه آشیل از این بابت که تاریخ مصرف این

این روزها تاثیر فضای مجازی برکسی پوشیده نیست، فضای مجازی در ایران بیشتر از هر چیزی به اینستاگرام معنی می شود. فضایی به شدت متناقض با وضعیت کنونی ما. جایی که سلبریتی ها همان انسان های معمولی و مصرف گرایی هستند که الگوی مصرف کالایی ما را رقم می زنند. فضایی که پر است از انسان های معمولی با نیازهای ارضا نشده غیر معمولی. انسان مدرن هویت ارائه نداده خودش را در پی هویت فضای مجازی اش جست و جو می کند. جایی که انسان می تواند هر چیزی باشد. یک عصبانی غیرتی تا یک انسان خوش تیپ و کاریزماتیک. اگر انسان گذشته را پیرو حاکمان یا مبلغان دینی در نظر بگیریم، همین بلا بر سر انسان مدرن نیز آمده اما، در یک برنامه ریزی مدرن به نام فضای مجازی. انسان در هر برهه ای از زمان همواره علاقه مند به اقتدا کردن است. حتی اگر این امر از یک فضای دیکتاتوری بیرون بیاید یا دموکراتیک؛ در یک اتمسفر مذهبی باشد یا لائیک. در هر صورت توفیر چندانی در نفس عمل ندارد، انسان در مجموع دوست دارد که دنبال کننده باشد. گوزن های اتوبان، داستان پسر جوانی به نام عابس (عباس) است که در یک شرط بندی خیابانی روی پلاک ماشین ها (کار هر روزه شان)



پشت



می خواهد به ما بفهماند که بازیگری فراتر از فیزیک است! نکند مارلون براندوی هست و ما خبر نداریم! و یک نکته مهم دیگر گریم نازنین بیاتی با آن گریم کروئالی که دارد. آدم این نوع از کپی ها را که می بیند به خودش هم شک می کند چه برسد به کارگردان و طراح شخصیت!

خود آقای اصلانی، ایشان چند سالی نیست که بیش از حد چاق شده اند؟ آیا نباید تمهیدی اندیشه شود؟ یک بازیگر نباید روی فیزیک خودش کنترل داشته باشد؟ چطور است که این سینما این چنین بازیگرانی را پس نمی زند؟ نکند نقش فیلم وال ایرانی را قرار است بازی کند؟ یا

وزن گاهی به قدری برای منتقدین سوال برانگیز می شود که به چربی های لرزان جواد عزتی در سریال وحشی گیر می دهند که این بازیگر بسته به زیستش در سریال نمی بایست همچنین فیزیکی داشته باشد. (البته برای این منتقد دلایلی هم ذکر شده که چرا باید همچنین فیزیکی داشته باشد.) پس فیزیک در سینما معنی دارد. همان متد اکتینگ که دنیرو برای یک سکانس از گاو خشمگین تن به گریم نداد و در عرض چند روز با مصرف پیتزا و نوشابه خودش را چاق کرد. یا نمونه بارزش کریستسن بیل که استاد کم و زیاد کردن وزن هست. من به شخصه بیشتر طرفدار نظر مارچلو ماستریانی هستم که می گوید: ما بازیگر هستیم، باید بازی کنیم، زندگی کردن نقش یک ادای آمریکایی بیش نیست، حالا نه به این بی نمکی و نه به آن شوری، ولی به نظر

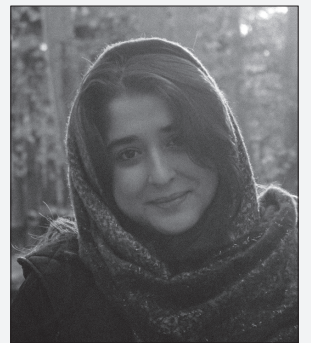
ها به خاطر به نمایش گذاشتن مشکلات و معضلات وکلا در دادگاه مستحق جایزه می شود، ولی آیا مجبوریم فیلم خوبی است؟ خیر. لاکپشت هم به نوبه خودش باید به این سوال مهم پاسخ بدهد، فارغ از دغدغه های روانشناختی، آیا فیلم خوبی است؟ آیا توانسته با توجه به بشمار نمونه های خارجی اش، برای مخاطب عامه سینما یک فیلم جدید و جالب بسازد؟ یا اینکه در کپی دست چندم از نمونه خارجی اش هم مانده؟ نکته دیگر، نکته فیزیک بازیگر در سینمای ماست، در معرفی فیلم گفتیم: روان پزشکی بسیار چاق. این صفت بسیار چاق کاملا مصداق فرهاد اصلانی است. بازیگر توانا که چند سالی هست درگیر اضافه وزن و چاقی شده. اضافه

وقتی قهرمان فیلسوفی بیکار است

که در خواب زندگی می کند، می پذیرند. بازی ها کاملاً بی احساس و مضحک است. وقتی آلفونس با چند نفر از هموعان گمشده اش متحد می شود و قتل ها شروع به انباشته شدن می کنند، پوچگرایی خشک و بی روح فیلم کمی رنگ می بازد، رشته ای رؤیایی از گروتسک ها و اعمال خشونت آمیز عجولانه که هیچکدام از شخصیت های درگیر در آن لحظه ای از خود نمی گذرند. و در اواخر فیلم، فرار به یک کلبه روستایی پنهان در جنگل، درمی یابد که ممکن است بتن و دنیای مدرن شهری اصلاً باعث بیماری روح آنها نشده باشد. دکورهای استفاده شده و یا محوطه های تازه ساخته شده، رنگ ها و شب، محیط های خالی بزرگ، آن بخشی از طنز سیاه که بر بیگانگی مدرن است، اما سورئالیسم سناریو به ترسهای عمیق تری اشاره دارد - مرگ تنها عنصر ثابت و قطعی در این فیلم است. صحنه ها و فیلمبرداری دائماً «بی نقص» هستند، که شاید به غیرواقعی بودن فیلم کمک کند.

گاهی اوقات می توانند خسته کننده باشند. بیشتر اتفاقات فیلم در یک شب طولانی و بی پایان در حومه فرانسه رخ می دهد. شخصیت ها هرگز ظاهر نمی شوند مگر اینکه به عنوان قاتل، قربانی یا شاهد به آنها نیاز باشد. هیچ فرد اضافی در مترو منتظر قطار نیست، خیابان های پاریس خلوت هستند و حتی آپارتمان آلفونس در آن قرار دارد، به جز او، همسرش و بازرس تازه وارد، کاملاً خالی از سکنه است. آلفونس و دیگر شخصیتها نیز از سرما شکایت دارند و به نظر می رسد که هرگز نمی توانند گرم شوند. شاید این نشانه ایست که آنها سرمای گور را احساس می کنند. آلفونس رؤیایی است که گمان می کند همه اش کابوس می بیند. او تنها کسی است که (که گاه) از خود می پرسد چه اتفاقی دارد میافتد، و عجیب است که می داند انگار هیچکس اهمیتی نمی دهد که او ممکن است قاتل باشد. بقیه، پویایی اجتماعی همیشه در حال تغییر آلفونس را با پذیرش کسی

عاری از انسان است که هیچکدام از آنها به طور واقع بینانه ای به تصویر کشیده نشده اند یعنی از جزئیات شخصیتی و محیطی چیزی مشاهده نمی کنیم. این دنیا آنقدر از واقعیت فاصله دارد که نمی توانستیم بپذیریم که اصلاً در دنیای واقعی معمولاً همچنین اتفاقی می افتد یا نه، بلکه فیلم در یک برزخ واقعی است که در آن همه شخصیت ها از قبل مرده اند و حتی این مرده بودن شخصیت ها در سکانس های پایانی به ما نشان داده می شود، جایی که دختر مردی که در مترو کشته شده برای انتقام از قاتل پدرش با ماشینی همانند نعش کش قاتلان را سوار می کند. آن سه در حال گذراندن دوران محکومیت خود هستند و منتظرند تا دوباره کشته شوند و به سوی سرنوشت نهایی خود بروند. مقدمه عمدتاً به لطف دیالوگها و رویدادهای پوچش عالی است، و مؤخره به خوبی داستان را جمع بندی می کند. بقیه فیلم عمدتاً به دلیل بازیگران و دیالوگها کار می کند (اگرچه این دیالوگها



سارینا صادقی

ساده ترین عمل سورئالیستی این است که با تپانچه در دست، در خیابان بدوید و کورکورانه و با تمام سرعتی که میتوانید ماشه را بکشید، به سمت جمعیت شلیک کنید. - آندره برتون

یک فیلم جنایی را بدون تمام عناصر معمول تصور کنید - یک شروع (جنایت)، میانه (تحقیقات) و پایان؛ یک جنایتکار گناهکار و یک کارآگاه تحقیق؛ یک زن اغواگر که مجازات می شود؛ یک بازگرداندن نظم. «Buffet Froid» آن روی دیگر فیلم های جنایی است، جایی که قهرمان یک فیلسوف بیکار است که ممکن است قاتل باشد یا نباشد، با قاتل همسرش دوست می شود و همسایه اش، کارآگاهی که قتل با پول را تأیید می کند و در نقش های گرفتار می شود که پاسخی که به دنبالش است خود اوست و با قرارگرفتن در معرض یک کوینیت زهی شکنجه می شود. هر افشاگری منجر به ابهام بیشتر می شود و به جای بازگرداندن نظم، نابودی نصیب می شود. آلفونس در یک ساختمان خالی زندگی می کند. خالی به جز یک همسایه، سروان پلیس مورواندیو. وقتی مردی که همسر آلفونس را کشته از راه می رسد، این سه مرد در دنیایی سورئالیستی درگیر مجموعه ای از اتفاقات می شوند. داستان در دنیایی اتفاق می افتد که تقریباً کاملاً



«آگهی ثبتی»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

**آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف
وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف**

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانها فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۴۶۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تقاضای آقای حسین مهاجر منقوش به شماره شناسنامه ۲۱۶ و کد ملی ۹۲۸۷۳۷۲۱۲۱ صادره از گرگان فرزند قربان در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی که شش‌دانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۵۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۱۷-۱ واقع در اراضی آلودف بخش دو حوزه ثبت گران طبق رای صادره حاکایت از انتقال اصل مالک رسمی به مقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت مقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را تذکر شماره پرونده یا این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مذکور بکماده از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را در مهج ذیلحال قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

چوادرپورمند - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۲۰۱۵۵۳۸

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود تفکیک سازان
سبز گستر آتیه هیرکان

به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۳۷۱۲۳ و به شماره ثبت ۱۳۶۷۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ تصمیبات ذیل اتخاذ شد: شرکت در تاریخ فوق منحل گردید و در نتیجه خانم سوبیده قوی پور به شماره ملی ۲۱۲۷۲۷۲۸۴۶ به آدرس: استان گلستان، گرگان، بلوار ناهارخوران، عدالت ۵۳، ساختمان افرا کد پستی: ۴۹۱۷۸۸۹۱۷۶ به سمت مدیر تصفیه انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان - شناسه ۲۰۱۶۱۱۱۱۱۱

آگهی دعوت سهامداران شرکت آق پروفیل گلستان (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۶۴۲ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۴۱۴۰۸

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت میگردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ در ساعت ۹ صبح و مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ در ساعت ۱۰ صبح در محل شرکت تشکیل میگردد حضور بهم رسانند:

ساعت ۱۰ صبح در محل شرکت تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند:

دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه: انتخاب بازرسین / تصویب تراز سال مالی ۱۴۰۳

دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده: تصویب افزایش سرمایه

ہیئت مدیرہ شرکت آق یروفیل گلستان

آگهی دعوت به مناقصه عمومی عملیات حفظ و نگهداری فضای سبز مناطق سه گانه سطح شهر گرگان

سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری گران در نظر دارد

حسب مصوبه هیات مدیره بشماره ۱۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۴ نسبت به حفظ و نگهداری فضای سبز سطح شهر گرگان در مناطق سه گانه (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با شاخص تعدیل برای مدت یک سال از میان شرکت ها و موسسات دارای مجوز، از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد، موسسات و شرکتهای واجد شرایط (به استثناء شرکت ها و موسساتی که صرفا قرارداد خدمات شهری در شهر گرگان دارند) می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس اینترنتی setadiran.ir مراجعه نمایند.

محسن بیدلی - سرپرست سازمان سیمما، منظر و فضای سبز شهری - شناسه آکھی ۲۰۱۵۰۹۹

«

در حاشیه "۷ اکتبر"



محمد نادری ملک‌شاه

رژیم صهیونیستی با الهام از حمله غافلگیرانه سال ۱۹۶۷ به مصر در دوره جمال عبدالناصر، نقشه‌ای مشابه برای ایران طراحی کرده بود و با هدف قرار دادن مراکز حساس نظامی و امنیتی و نیز فرماندهان عالی‌رتبه، پیروزی خود را قطعی می‌پنداشت. اما واکنش سریع و هوشمندانه ایران، تمام معادلات را بر هم زد و موجودیت رژیم صهیونیستی را با خطر فروپاشی مواجه ساخت. شکست مفتضحانه رژیم صهیونیستی در این تجاوز، نشانه‌ای آشکار از زوال قطعی این رژیم جعلی است. نه از آن رو که صهیونیست‌ها از کشتار و خشونت دست کشیده‌اند، بلکه از آن جهت که ایدئولوژی دروغین برتری‌طلبی نظامی آنان رو به افول نهاده و حقیقت هشتاد سال پنهان‌کاری، فریب و جنایت‌شان برملا گشته است. حمله شرم‌آور و بزدلانه سحرگاه ۲۳ خرداد به تهران، خودکشی استراتژیک رژیم صهیونیستی بود که ناتوانی ذاتی آن را عریان ساخت. فرمایش حکیمانه امام خمینی(ره) که اسرائیل را «طبل توخالی» خواندند، امروز بر همگان حتی برای خود صهیونیست‌ها- آشکار شده است. رژیم صهیونیستی در این تجاوز به ایران، با رویکردی ناشیانه کوشید تا با الگوگیری و مشابهت سازی از عملیات هفتم اکتبر -اما در ابعادی وسیع‌تر و شدیدتر- ایران را با شوراندن مردم تحقیر نماید و از این طریق، شکست پیشین خود در برابر گروه مقاومت حماس را جبران و حیثیت از دست‌رفته‌اش را احیا کند. حال آنکه عملیات حماس، واکنشی طبیعی در برابر

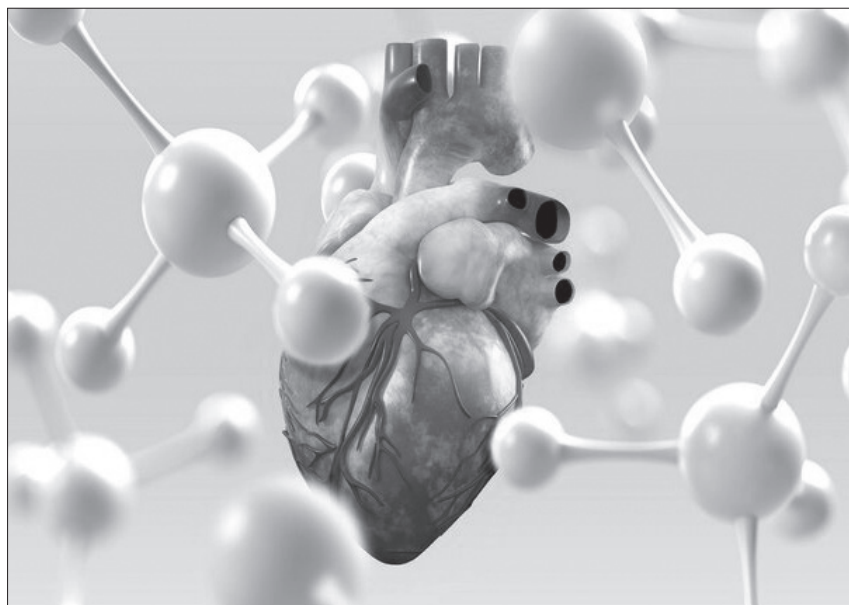
جنایات مستمر رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم غزه و فلسطین بود و هیچ گونه ارتباطی - اعم از شکلی، ماهوی، پشتیبانی یا اطلاعاتی- با ایران نداشت. این رویداد، نقطه‌عطفی در تاریخ جعلی رژیم صهیونیستی بود؛ نه تنها شکستی سهمگین و تحقیرآمیز را تجربه کرد، بلکه تمامی ادعاهای واهی‌اش درباره برتری بر همسایگان را نیز برای همیشه به گوش کر سپرد. پاسخ کوبنده و موشکی و پهبادی دقیق ایران -علی‌رغم پشتیبانی همه‌جانبه پادفاندی آمریکا و متحدان اروپایی و منطقه‌ای‌اش- سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داد و چنان هراسی در دل صهیونیست‌ها افکند که تا آن زمان تجربه این وحشت را نداشتند و به همین علت نتوانستند ادامه پاسخ کوبنده قدرت ایران را تحمل کنند. اسرائیل پنداشته بود با حمله به ایران و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی می‌تواند هیمنه خود را بر منطقه تحمیل کند، اما محاسبات و راهبرد نادرستش، این رژیم را به ورطه سقوط حیثیتی کشاند و دیگر هرگز نخواهد توانست مدعی برتری‌جویی در منطقه باشد و این آرزو را بگور خواهد سپرد. ترامپ که از پیروزی قطعی اسرائیل در این تجاوز مطمئن به نظر می‌رسید، با نطقی توهین‌آمیز به ایران پرداخت و سپس ناگزیر شد با بسیج پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی و همراهی متحدان اروپایی، علناً از این رژیم کودک‌کش حمایت کند. در مقابل، ایران با تکیه بر توان دفاعی خود و عزم استوار ملت، تجسم عینی آیه شریفه «كَمْ مِنْ قِتْلَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ قِتْلَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» گردید.

رژیم صهیونیستی کوشید از اختلافات داخلی ایران سوءاستفاده کند و نتانیاهو با شعارهای پوچ، در توهمات گذشته غوطه‌ور شد. همین امر موجب خطای راهبردی این رژیم در ارزیابی صحیح از جامعه ایران گردید. آنها در آرزوی سلطه بر منطقه و به یوغ کشیدن کشورهای اسلامی بودند، اما ملت سرفراز ایران با مقاومتی کم‌نظیر، جهان اسلام را از چنگال صهیونیسم بین‌المللی رها نمود. پیش از این نیز ایران در طول هشت سال دفاع مقدس، همچون سدی استوار در برابر تجاوز رژیم بعثی صدام -که از پشتیبانی صهیونیست‌ها برخوردار بود- ایستادگی کرد و از تمامی منطقه حراست نمود. اکنون می‌توان با اطمینان ادعا کرد که رژیم صهیونیستی هرگز جسارت حمله مجدد به ایران را نخواهد یافت؛ چرا که در جنگ دوازده‌روزه تا مرز نابودی کامل پیش رفت. علیرغم سلطه رسانه‌ای صهیونیست‌ها بر ابزارهای خبری جهان، آنان نتوانستند شکست مفتضحانه خود در برابر مقاومت هوشمندانه ایران و قدرت بازدارنده جمهوری اسلامی را پنهان کنند. ایران در پاسخ به تجاوز اسرائیل چنان ضربه‌ای سهمگین و ویرانگر به این رژیم وارد کرد که نه امروز و نه در آینده‌ای قابل‌پیش‌بینی، حتی جرأت خیال‌پردازی درباره تعرض به حريم این سرزمین مقدس را نیز نخواهد داشت. «ای دشمن! ارتو سنک خواره‌ای من آهنم»

ایران همیشه پاینده باد.

دانش آموخته علوم سیاسی

چگونه قلبتان را سالم نگه دارید؟



با توجه به شیوع سکنه‌های قلبی در سنین پایین در کشور، هر دردی از ناحیه ناف تا فک تحتانی، خصوصاً در افراد بالای ۲۵ سال باید در درجه اول قلبی فرض شود و برای اطمینان نوار قلب از بیمار گرفته شود

فعال گفته می‌شود، حدود ۲۰ درصد دود سیگار را استنشاق کرده و به همان نسبت در معرض خطر بیماری‌های قلبی-عروقی قرار دارند، مصرف الکل نیز با آسیب به عضله قلب و بالا بردن فشار خون همراه است و می‌تواند منجر به نارسایی قلبی شود. ترک سیگار و پرهیز از الکل باید به‌عنوان اولویت جدی فردی و اجتماعی در نظر گرفته شود. وی بررسی‌های منظم سلامتی را ضروری دانست و تصریح کرد: بسیاری از بیماری‌های قلبی و ریسک‌فاکتورها مانند فشار خون، دیابت و افزایش چربی خون در مراحل اولیه بدون علامت هستند، توصیه می‌شود همه افراد بالای ۳۰ سال سالی یک‌بار فشار خون، قند خون و سطح کلسترول خود را بررسی کنند و افراد بالای ۴۰ سال، به‌ویژه کسانی که دارای علائم خطر هستند، سالی یک‌بار از نظر بیماری‌های ایسکمیک قلبی نیز تحت معاینه قرار گیرند. به گفته او، با توجه به شیوع سکنه‌های قلبی در سنین پایین در کشور، هر دردی از ناحیه ناف تا فک تحتانی، خصوصاً در افراد بالای ۲۵ سال باید در درجه اول قلبی فرض شود و برای اطمینان نوار قلب از بیمار گرفته شود. آریان‌پور در پایان بر اهمیت خواب کافی تأکید کرد و گفت: خواب شبانه کمتر از شش ساعت احتمال بروز فشار خون و بیماری‌های قلبی را افزایش می‌دهد. برای سلامت قلب، هفت تا هشت ساعت خواب منظم و آرام در شب ضروری است. همچنین کسانی که به اختلالات خواب، به‌ویژه آپنه خواب مبتلا هستند باید پیگیر تشخیص دقیق و درمان آن باشند. وی با تأکید بر اینکه در صورت تشخیص به‌موقع ریسک فاکتورهای قلبی یا بیماری‌های قلبی، می‌توان با درمان مناسب آن‌ها را کنترل و مدیریت کرد، خاطرنشان کرد: سلامت قلب سرمایه‌ای ارزشمند برای طول عمر و کیفیت زندگی است. درست غذا خوردن، تحرک کافی، پرهیز از دخانیات، مدیریت استرس و انجام بررسی‌های دوره‌ای سلامت، می‌تواند تا ۸۰ درصد بیماری‌های قلبی را پیشگیری کند یا به تأخیر بیندازد.

دارودرمانی از راهکارهای کاهش استرس است. عضو سابق کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با اشاره به اینکه سیگار همچنان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها و در عین حال قابل‌کنترل‌ترین ریسک‌فاکتور برای بیماری‌های قلبی است، توضیح داد: حتی مصرف یک نخ سیگار در روز در بلندمدت می‌تواند خطر بیماری‌های قلبی را افزایش دهد، همچنین کسانی که خودشان سیگاری نیستند اما در مجاورت افراد سیگاری قرار دارند که به آن‌ها سیگاری‌های غیر

از ۸۸ سانتی‌متر تجاوز نکنند. وی استرس‌های مداوم را از دیگر عوامل خطر معرفی کرد و افزود: افزایش سطح هورمون‌های استرس شامل کورتیزول، آدرنالین و نورآدرنالین در اثر استرس طولانی‌مدت، فشار خون و ضربان قلب را بالا می‌برد و با تغییرات مخرب در خون‌رسانی کرونر و افزایش نیاز عضله قلب به اکسیژن، احتمال سکنه قلبی را افزایش می‌دهد. تمرینات تنفسی، یوگا، مدیتیشن، اختصاص زمان برای تفریح و ارتباطات اجتماعی و در موارد شدید،

یک متخصص قلب و عضو سابق کمیسیون بهداشت و درمان مجلس درباره پیشگیری از بیماری‌های قلبی به نکات ساده اما تأثیرگذار اشاره کرده که کمک می‌کند تا با انتخاب‌های صحیح روزمره، سلامت قلبتان را تضمین کنید. به گزارش ایسنا، رضا آریان‌پور، به مناسبت روز جهانی قلب (۲۹ سپتامبر/۷ مهر) اظهار کرد: سلامت قلب در گرو انتخاب‌های روزمره است و با رعایت اصول ساده می‌توان از بروز بخش عمده‌ای از بیماری‌های قلبی جلوگیری کرد. وی نخستین اصل مراقبت از قلب را تغذیه سالم دانست و توضیح داد: رژیم غذایی باید شامل میوه و سبزیجات تازه، غلات سبوس‌دار، مغزها و پروتئین‌های سالم مانند ماهی، مرغ بدون پوست و حبوبات باشد. در مقابل، مصرف نمک نباید از سه گرم در روز فراتر رود و چربی‌های اشباع و ترانس باید به حداقل برسد؛ چرا که این ترکیبات با فشار خون بالا و افزایش کلسترول در ارتباط مستقیم هستند و در نهایت با تنگی عروق و ایجاد آترواسکلروزیس از عوامل اصلی سکنه قلبی و مغزی محسوب می‌شوند. این متخصص قلب و عروق افزود: فعالیت بدنی منظم نقش مهمی در سلامت قلب دارد. افرادی که حداقل ۱۵۰ دقیقه فعالیت ورزشی متوسط تا شدید در هفته انجام می‌دهند (می‌توان آن را در پنج روز هفته تقسیم کرد)، ۳۵ درصد کمتر از دیگران به بیماری‌های قلبی مبتلا می‌شوند. حتی فعالیت‌های ساده‌ای مانند پیاده‌روی سریع، دوچرخه‌سواری یا استفاده از پله به جای آسانسور نیز تأثیر چشمگیری در سلامت قلب دارد. آریان‌پور در ادامه به اهمیت کنترل وزن و اندازه دور شکم اشاره کرد و گفت: نسبت دور شکم به دور باسن شاخص مهمی در پیش‌بینی حوادث قلبی-عروقی است. چربی‌های تجمع یافته در ناحیه شکم بسیار خطرناک بوده و زمینه ابتلا به دیابت، فشار خون و بیماری‌های قلبی را فراهم می‌کنند. در حالت ایده‌آل، شاخص توده بدنی باید در محدوده ۱۸.۵ تا ۲۴.۹ باشد و اندازه دور کمر در مردان از ۱۰۲ و در زنان

فشار اطرافیان برای فرزندآوری؛ خطر جدی برای زندگی مشترک

مقاومت زوجها در برابر فشار اطرافیان؛ حفظ رابطه و احترام

این مشاور خانواده درباره نحوه مقاومت زوجها در برابر فشار اطرافیان برای فرزندآوری می‌گوید: زوج‌هایی که احساس می‌کنند والدین همسر یا دیگر اطرافیان در خصوصی‌ترین تصمیم زندگی آن‌ها نظر می‌دهند، باید نخست مرزبندی محترمانه و مؤدبانه‌ای برقرار کنند. بیان دلیل این مرزبندی باید با مهربانی و صراحت همراه باشد؛ برای نمونه می‌توان توضیح داد که فرزندآوری نیازمند آمادگی‌های جسمانی، عاطفی، اجتماعی، عقلانی و معنوی است و در حال حاضر این آمادگی‌ها فراهم نشده است. مهم است که این توضیح به گونه‌ای ارائه شود که از فرار کردن یا شوخی کردن اجتناب شود و پیام به روشنی منتقل گردد. حاتمی ادامه می‌دهد: زوجها باید نخست در خلوت خود به یک موضع مشترک برسند و دچار تفرقه نشوند، زیرا گاه خود زن و شوهر به دلیل اختلاف نظر داخلی، پاسخ‌های متناقضی ارائه می‌دهند. پس از دستیابی به تصمیم مشترک، هنگام مواجهه با اطرافیان، پاسخ باید یکپارچه و همدلانه باشد. به جای مخالفت مستقیم، می‌توان بیان کرد: ما نیز تمایل داریم، اما می‌خواهیم شرایط بهتری فراهم شود. این شیوه هم احترام به خانواده را حفظ می‌کند و هم از فشار روانی بر زوج جلوگیری می‌کند. او همچنین تأکید می‌کند: محدود کردن گفتگوهای مکرر نیز بسیار مؤثر است. برای مثال، زوج می‌تواند با احترام بیان کنند: با تمام احترامی که برای شما قائلم، لطفاً دیگر در مورد فرزندآوری با ما گفتگو نکنید. این شیوه از مواجهه، مانع فشار و اضطراب غیرضروری می‌شود و روابط خانوادگی را آسیب‌پذیر نمی‌کند.

بهترین زمان برای فرزندآوری؛ تصمیمی آگاهانه و مشترک

حاتمی درباره بهترین زمان برای فرزندآوری توضیح می‌دهد: سن به تنهایی یکی از مولفه‌ها نیست، مطالعات روانشناسی و زوج‌درمانی در سطح جهانی نشان می‌دهد که بهترین زمان برای بچه‌دار شدن زمانی است که زن و شوهر از نظر عاطفی، روانی و اقتصادی به نقطه‌ای رسیده باشند که بتوانند علاوه بر توجه به خود و رابطه زوجی، مسئولیت پرورش یک انسان دیگر را به‌صورت آگاهانه و مشتاقانه بپذیرند. فرزندآوری نه یک وظیفه اجتماعی تحمیلی و نه یک مسئولیت ساده فردی است، بلکه تصمیمی پیچیده، آگاهانه و مشترک است. او ادامه می‌دهد: ضروری است که پیش از اقدام به فرزندآوری، ثبات روانی، ثبات رابطه و ثبات مالی وجود داشته باشد. اجبار زوجها به فرزندآوری بدون آمادگی روانی و اقتصادی، اضطراب و استرس آنان را افزایش می‌دهد. این وضعیت منجر به کاهش رضایت زناشویی و قرار گرفتن مادران در معرض افسردگی پس از زایمان می‌شود. همچنین کودکی که تحت چنین شرایطی به دنیا می‌آید، ممکن است شاهد تنش‌ها و نارضایتی والدین باشد که تأثیر مستقیمی بر رشد عاطفی او دارد. حاتمی در پایان توصیه می‌کند: زوجها باید به مرزبندی خود احترام بگذارند و حق تصمیم‌گیری در خصوص فرزندآوری را برای خود محفوظ بدانند. همچنین والدین و اطرافیان باید از اعمال فشار بر زوجین و تحمیل باورهای سنتی و الگوهای نسل‌های گذشته پرهیز کنند و اجازه دهند این تصمیم حساس بر اساس آمادگی روانی، عاطفی و اقتصادی زوجها و به صورت آگاهانه گرفته شود.



و ترس از قضاوت اطرافیان است. خانواده‌ها نگران هستند که دیگران چه می‌گویند. به‌عنوان مثال، مادری ممکن است فشار زیادی بر دختر خود وارد کند تا زودتر بچه‌دار شود، نه از آن جهت که به فکر فرزند دخترش است، بلکه برای آن‌که مبدا اطرافیان، همسایه‌ها یا دیگر اعضای خانواده قضاوتی منفی داشته باشند. به این ترتیب، اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی والدین به فرزندان منتقل شده و آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد.

فرزندآوری؛ وظیفه اجتماعی یا انتخاب آگاهانه؟

حاتمی در پاسخ به این پرسش که چرا در جامعه ما گاهی فرزندآوری یک «وظیفه اجتماعی» تلقی می‌شود و نه یک انتخاب آگاهانه، توضیح می‌دهد: جامعه ما جامعه‌ای جمع‌گرا است. فرد در این جامعه بیشتر به عنوان بخشی از کل دیده می‌شود و به‌طور کامل به عنوان موجودی مستقل با حق انتخاب، مدنظر قرار نمی‌گیرد. در چنین جوامعی، ازدواج غالباً با انتظار فرزندآوری همراه است و بسیاری از زوجها در سال‌های اولیه زندگی مشترک اقدام به فرزندآوری می‌کنند. حتی برای فرزند دوم نیز، اغلب ترجیح بر داشتن ترکیبی از جنسیت دختر و پسر وجود دارد، زیرا این امر در ذهنیت جمع‌گرای جامعه، نوعی وظیفه اجتماعی تلقی می‌شود. حاتمی ادامه می‌دهد: یک باور سنتی و اشتباه در ذهنیت عمومی وجود دارد که ازدواج را تنها در صورتی کامل می‌داند که زن و شوهر صاحب فرزند شوند. بر اساس این ذهنیت، ازدواج بدون فرزند ناقص تلقی می‌شود و روند زندگی زوجها باید به ترتیب فرزند، داماد و عروس، و سپس نوه ادامه یابد. این دیدگاه سنتی به شکل نادرست، فرزندآوری را از یک تصمیم شخصی و آگاهانه به یک الزام اجتماعی تبدیل کرده است. وی همچنین به کارکردهای اجتماعی کودک اشاره کرده و می‌گوید: در بسیاری از خانواده‌ها، کودک به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی دیده می‌شود. والدین انتظار دارند که فرزند در آینده پشته‌ای برای آنان باشد و در دوران سالمندی از آن حمایت کند. این نگرش، در کنار کم‌رنگ بودن مفهوم خودمختاری فردی در فرهنگ ما، سبب شده است که تصمیم فرزندآوری اغلب به صورت یک وظیفه اجتماعی تلقی شود، نه یک انتخاب خصوصی و آگاهانه.

پرسش که چرا برخی خانواده‌ها و اطرافیان به خود اجازه می‌دهند در چنین تصمیم حساسی دخالت کنند، توضیح می‌دهد: فرزندآوری تصمیمی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. همواره معتقد بوده‌ام که اصل ماجرا فرزندآوری نیست، بلکه فرزندپروری اهمیت دارد؛ زیرا این من و همسر هستیم که قرار است آن فرزند را پرورش دهیم. با این حال، خانواده‌ها اغلب در فرزندآوری دخالت می‌کنند که این امر ریشه‌های فرهنگی و روانی متعددی دارد. حاتمی در توضیح نخستین ریشه این دخالت‌ها می‌گوید: یکی از دلایل اصلی، باورهای سنتی است. در برخی فرهنگ‌ها، زن و شوهر پس از ازدواج و گذشت چند سال زندگی مشترک، به‌ویژه پس از سه سال، با این انتظار روبه‌رو می‌شوند که فرزندآوری امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. هرگونه تأخیر در این امر غیرعادی تلقی شده و با قضاوت‌هایی همچون نازا بودن دختر یا وجود مشکل در پسر همراه می‌شود؛ باوری که به‌طور کامل نادرست است. وی در ادامه به عامل دیگری اشاره کرده و می‌افزاید: دومین ریشه این رفتار، انتقال الگوهای نسل‌های پیشین است. بسیاری از ما در خانواده‌هایی رشد کرده‌ایم که والدین‌مان متعلق به نسلی بودند که بسیار زود ازدواج می‌کردند و بچه‌دار می‌شدند. برای مثال، دختران پیش از ۲۰ سالگی ازدواج می‌کردند و پسران پس از پایان خدمت سربازی صاحب خانواده می‌شدند. فاصله میان تولد فرزندان نیز بسیار کم بود و در سن ۳۰ یا ۳۵ سالگی والدین خود را آماده عروس و داماد کردن فرزندانشان می‌دیدند. این الگو به‌طور ناخودآگاه به نسل بعدی منتقل شده است. حاتمی در توضیح سومین عامل می‌گوید: نیاز به تداوم نسل و حفظ هویت خانوادگی نیز یکی از دلایل دخالت اطرافیان در موضوع فرزندآوری است. در بسیاری از موارد، خانواده‌ها در ناخودآگاه خود فرزند را بخشی از میراث خانوادگی تلقی می‌کنند. متأسفانه باورهای نادرست و مثل‌های غلطی در فرهنگ ما وجود داشته است؛ برای نمونه، این‌که می‌گفتند فلائی اجاقش کوره. یا عباراتی نظیر اینکه باید وارث و جانشینی باقی بماند. چنین باورهایی باعث می‌شود خانواده‌ها تصور کنند فرزندآوری نقشی کلیدی در تثبیت هویت آن‌ها دارد؛ در حالی‌که این نگرشی کاملاً نادرست است. او به عامل چهارم نیز اشاره کرده و توضیح می‌دهد: یکی دیگر از دلایل دخالت خانواده‌ها اضطراب اجتماعی

دکتر معصومه حاتمی، مشاور خانواده، هشدار می‌دهد که فشار اطرافیان برای فرزندآوری پیش از رسیدن زوج‌ها به آمادگی روانی، عاطفی و اقتصادی، می‌تواند سلامت رابطه و آینده فرزند را تهدید کند. به گزارش ایرنا زندگی، بچه اگرچه شیرین و دوست‌داشتنی است و دیدن او برای خانواده‌ها به ویژه والدین و اقوام، حسرت و شوق به همراه دارد، اما تصمیم فرزندآوری یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی مشترک زوج‌هاست. بسیاری از زوج‌های جوان، هنوز به آرامش و ثبات لازم در زندگی مشترک نرسیده‌اند و در عین حال با فشار مستقیم یا غیرمستقیم اطرافیان برای صاحب فرزند شدن مواجه می‌شوند. این فشارها، هرچند از سر علاقه و محبت خانواده باشد، می‌تواند پیامدهای روان‌شناختی قابل توجهی برای والدین و آینده فرزندان داشته باشد. در همین زمینه، دکتر معصومه حاتمی، فوق‌دکترای روان‌شناسی سلامت، زوج‌درمانگر و مشاور خانواده به بررسی ابعاد روان‌شناختی این مسئله پرداخته است.

پیامدهای روان‌شناختی فشارهای بیرونی در تصمیم فرزندآوری

دکتر معصومه حاتمی، مشاور خانواده در خصوص پیامدهای روانی این فشار توضیح می‌دهد: این اقدام بسیار نادرست است، زیرا زمانی که زن و شوهرها از نظر بلوغ عقلانی و عاطفی به آمادگی برای پدر و مادر شدن نرسیده باشند، اما تحت فشار دیگران ناگزیر به فرزندآوری شوند، با پیامدهای روان‌شناختی گسترده‌ای مواجه خواهند شد. نخستین پیامد آن افزایش سطح اضطراب و استرس است؛ چرا که تصمیم از درون خود فرد برنخاسته بلکه محصول فشاری بیرونی است. چنین فشاری احساس ناتوانی ایجاد می‌کند و حتی در صورت ورود به فرآیند بارداری، این بارداری همراه با اضطراب و تنش خواهد بود. وی می‌افزاید: یکی دیگر از پیامدهای این شرایط، کاهش محسوس رضایت زناشویی است. به عنوان نمونه ممکن است مرد به دلیل فشار خانواده به همسر خود بگوید: سن ما رو به افزایش است و باید بچه‌دار شویم، یا زن به این باور برسد که با توجه به نزدیک شدن به سنین بالاتر، دیر شده است. چنین وضعیت‌هایی تنش و تعارض میان زن و شوهر را به‌شدت افزایش می‌دهد. این زوج‌درمانگر با استناد به پژوهش‌های علمی یادآور می‌شود: مطالعات روان‌شناسی نشان داده است مادرانی که از نظر روانی برای بچه‌دار شدن آمادگی ندارند، با احتمال بیشتری در معرض افسردگی پس از زایمان قرار می‌گیرند. حاتمی در ادامه تأکید می‌کند: از منظر روان‌شناسی، زمانی که کودکی حاصل اجبار باشد و نه انتخابی آگاهانه، کیفیت دلبستگی میان والد و فرزند کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، نه زن و شوهر با تصمیمی مشترک وارد مرحله فرزندآوری شده‌اند و نه فرزند محصول خواستی درونی بوده است؛ بلکه فشار خانواده‌ها یا حتی یکی از زوجین موجب این اتفاق شده است. پیامد چنین فرایندی کاهش کیفیت دلبستگی و بروز مشکلات در سبک تربیتی است. والدینی که سرشار از اضطراب و استرس هستند، مادری که افسردگی دوران بارداری یا پس از زایمان را تجربه می‌کند، و کودکی که محصول انتخاب آگاهانه نیست، همگی در چرخه‌ای از آسیب روان‌شناختی گرفتار می‌شوند.

ریشه‌های فرهنگی و روانی دخالت اطرافیان در فرزندآوری

این فوق‌دکترای روان‌شناسی سلامت در پاسخ به این